

پیش‌خوان

«ناگفته‌های جنگ ۳۳ روزه»

در قالب یک اثر نوانشاز

«سید»

صاحب وعده صادق

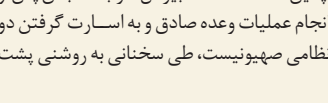
■ محمد رضا کائینی



اثری که در این مجال به شما معرفی می‌شود، ابعدای نوین و ناگفته از مصاف حزب‌الله لبنان با ارتش اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه را بازگو ساخته است. این مجموعه توسط

علی حسن خلیل به نگارش درآمده، صفاءالدین تبرلیان آن را ترجمه کرده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، روانه بازار نشرش ساخته است. تاز نامی ناشر در اشارتی کوتاه، اینگونه به معرفی این کتاب پرداخته است: «تاکتیکون درباره جنگ تحمیلی ۳۳ روزه اسرائیل با لبنان، آثار فراوانی منتشر شده است که در آن، به ریشه‌ها و علل وقوع جنگ و اتفاقات مهم آن پرداخته شده است. البته در اکثر قریب به اتفاق این کتاب‌ها، مسائل نظامی در اولویت قرار دارد، اما در تحقیق حاضر به نکات کمتر دیده و شنیده شده جنگ پرداخته می‌شود. در این اثر با چگونگی انتقال پیام‌های سِزّی میان سید مقاومت و رئیس مجلس لبنان، همچنین درگیرهای پشت پرده سیاسی میان بازیگران منطقه‌ای آشنا می‌شویم که شناخت آنها بسی حائز اهمیت است. در خلال این جنگ، مقاومت اسلامی لبنان با اتخاذ استراتژی، تاکتیک و حرب‌های نوین و غافلگیرکننده، دشمن تا بن دندان مسلح را مات و مبهوت کرد و پس از سال‌های متمادی، احساس حقارت را از دل و دیده جهان اسلام زدود و طرح خاورمیانه نو امریکایی را از بین برد…»

در بخشی از این پژوهش، در باب نقط تاریخی سیدحسن نصرالله وعده پیروزی وی به ملت لبنان، چنین آمده است: «دبیرکل حزب‌الله لبنان پس از انجام عملیات وعده صادق و به اسارت گرفتن دو نظامی صهیونیست، طی سخنانی به روشنی پشت



به طور کل و در طول تاریخ، یهودیان صهیونیست در بی‌تصاحب ثروت در سراسر جهان بوده و همچنین هستند و خود را مالک بی‌چون و چرای داشته‌های پیدا و پنهان این‌ کره خاکی می‌دانند. آنان گاه‌به‌دنیبال طلا و الماس آفریقا، گاه در پی تصاحب نفت خاورمیانه و… هستند.

یکی از موارد کسب ثروت، به دوستان آفریقایی آثار باستانی در سراسر جهان و انتقال آن به کلکسیون و موزه‌های خاندان‌های بزرگ یهودی بود. آنها با تصاحب آثار باستانی، دست به تحریف تاریخ نیز می‌زدند، مآ در مقاله ذیل،

به بررسی غارت آثار باستانی ایران توسط صهیونیست‌ها، در تاریخ معاصر پرداخته‌ایم.

■ ■ ■

صحنه تهاجم جنون‌آمیز اسرائیل را برمل ساخت. به فرموده سیدس مقاومت: آنچه امروز در لبنان جریان دارد، واکتید به عملیات گروگانگیری نیست، بلکه تسویه حساب با ملت لبنان، مقاومت، دولت، ارتش، نیروهای سیاسی، مناطق مختلف لبنان، روستاهای این کشور و خانواده‌هایی است که به این رژیم متجاوز نآشنا باشکست، شکست تاریخی وارد کردند…ایشان در بخش دیگری از سخنانش بار دیگر یادآور شد: من با توکل و اعتماد به خداوند سبحان و با اطمینان به رزمندگان و به شما و با شناختی که از این ملت و این دشمن دارم، همچنان که بارها وعده داده‌ام باز هم به شما وعده پیروزی می‌دهم…اما نکته بسیار مهم در سخنان سید آنجایی بود که به آنان یادآور شد این جنگ به حیفا محدود نخواهد شد و این که: این تهدید بی‌پشتا، این بقتل اطفالنا، لن یشرذ شعبنا، بدأ من الانتصارات و ولی زمن الپهلام… آری: امروز دیگر نخواهیم گفت اگر بیروت را بزنید، حیفا را می‌زنیم… شما جنگی تمام‌عیار خواستید، ما هم وارد جنگی تمام‌عیار می‌شویم و آماده آن هستیم، نامحدود و تمام‌عیار، این جنگ فراتر از حیفا و پس از آن خواهد بود. این بار دیگر تنها ما بهای این جنگ را نمی‌پردازیم، تنها خانه‌های ما ویران نمی‌شود، تنها کودکان ما به قتل نمی‌رسند و تنها ملت ما آواره نخواهد شد. زمان پرداخت هزینه یکطرفه خاتمه یافت، زمان شکست‌ها پایان یافت و عصر پیروزی‌ها آغاز شده است. شما نمی‌دانید امروز با چه کسی می‌کنید. شما با فرزندان محقّد(ص) و علی(ع) و حسن(ع) و حسین(ع) و با اهل بیت‌رسول خدا می‌کنید که ایمانی برتر از همه انسان‌های کره خاکی دارند. به پاری خدا پیروزی‌مان محقق است. اینک آن وعده غافلگیرکننده من به شما، شروع می‌شود. اینک روی آب‌های ساحلی بیروت، ناوچه جنگی اسرائیل را که به تأسیسات و ساختار اقتصادی ما، خانه‌های مردم و غیرنظامیان تجاوز می‌کرد، ببینید که چگونه به همراه ده‌ها سرباز صهیونیست در حال سوختن است و غرق خواهد شد…»

تاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷



نمایی از قلعه منطقه زبویه کردستان که محل کاوش عتیقه‌هایان اسرائیل بود

یهودیان صهیونیست توانستند با غارت آثار باستانی ایران، هویت و تاریخی جعلی برای خود دست و پا کنند.
متأسفانه استبداد و بی‌لیاقتی پادشاهان قجر و پهلوی نیز به آنان کمک کرد، تا مانعی برای دستیازی به ثروت‌های ملی کشورمان، پیش‌روی خود نداشته باشند.
با پیروزی انقلاب اسلامی، دست آنها از چپاول منابع و ثروت‌های ایران کوتاه شد و دقیقاً همین موضوع، یکی از دلایل دشمنی صهیونیسم بین‌الملل با جمهوری اسلامی است

دوم تا تجارت اسلحه و عتیقه

او به ابوالحسن ابتهاج و مهندس محسن فروغی وزیر فرهنگ فروخت…»(رشید کیخسروی، ج ۲، دوران بی‌خبری، ص ۲۳)
پروفیسور گذار که در زمان رضا پهلوی مدیرکل اداره باستان شناسی ایران بود، رسماً اقرار می‌کند، تمامی طلاها و آثار باستانی زبویه، شامل عاج زبویه کردستان به مبلغ ۷ میلیون تومان را نزد آقایان ایوب ربنو و مهندس محسن فروغی و ابوالحسن ابتهاج مشاهده کرده و خرید قطعاتی از طلاهای زبویه به مبلغ ۱۷ میلیون تومان توسط ایوب ربنو را دیده و ناظر بر فروش آنان به موزه‌های خارجی بوده است.

■ **لورفتن سرقت عتیقه جات از زبویه و شایعه پراکتی صهیونیست‌ها**

در سال‌های نخست حفاری زبویه، بسیاری از باستان‌شناسان خارجی و دانشجویان باستان شناسی به آن منطقه رفتند. در میان این افراد رشید کیخسروی محقق علم تاریخ، بی‌به اقدامات ایوب ربنسو می‌برد و با افشاکاری در روزنامه‌های کثیرالانتشار و با کمک دادگستری، مانع از کاوش‌های غیرقانونی این آثار می‌شود. استقبال باستان‌شناسان و دانشجویان خارجی

از بازدید این منطقه، سبب وحشت ربنو و مانع اصلی ادامه حفاری آنان بسود. بازدیدکنندگان سال ۱۲ سال با امتیاز رسمی وزارت فرهنگ، در این منطقه مهم باستانی، حفاری تجاری انجام دادند و بدون هیچ صورت جلسه و مانع و رادعی، این منطقه را زیر و رو کردند و تمامی آثار باستانی این منطقه را به تاراج بردند و از آن منطقه، فقط قطعه‌ای در موزه ایران باستان باقی ماند. در منطقه زبویه، روستائیان این منطقه در تمام طول حفاری حضور داشتند، ولی از منطقه قیلاتنو و بدون حساب و کتاب، هر شیئی به تاراج می‌رفت!

■ **ایوب ربنو»، رهبر یک باند مافیایی قاچاق بین‌المللی**
در حفاری‌های باستان‌شناسی، یکی از یهودیانی که آثار باستانی را از فلات ایران به غارت برد، ایوب ربنو است. او یک فرد معمولی یا عادی نبود، بلکه بهریت یک باند مافیایی قاچاق بین‌المللی آثار باستانی را بر عهده داشت و ۵۰۰ نفر کارگر و ۱۰۰ نفر سرکارگر، برای او کار می‌کردند. نامبرده بسا این کار، ضمن برخورداری از کلیه وسایل پیشرفته حفاری، بیش از ۵۰ سال در بیش از ۱۵۰ نقطه و در فاصله سال‌های ۱۳۲۶ هـ ش لغایت ۱۳۴۰، به طور مشخص در ۱۷ منطقه باستان‌شناسی، به حفاری تجاری پرداخت. به غیر از منطقه زبویه در منطقه قیلاتنو، پاره‌ای از

ایوب ربنو در آغاز و در بین مردم روستایی، به صورت دوره گرد ظاهر و به اوضاع منطقه مسلط شد. او با بهره‌گیری از عوامل گوناگون و البته زرنگی ذاتی، کاری کرد که مردم به ماهیت شوم او پی نبرند!او به محض ورود به زبویه اولین کاری که کرد، این بود که یک درمناگه برای مردم روستا ساختاروستایی که درمناگه و بزرشک نداشت و دستپاراش اسدالله – که در طبابت به شیوه حکیم باشی‌ها آشنایی داشت- به زودی در میان مسافرت به زبویه، مریاجات میوه‌های زنان و اطفال بی‌سرپرست زبویه، مستقر می‌های و برقرار نمود! این مبلغ هر چند ناچیز بود، ولی بعد از دو سال برقرار شد و بعد هنگامی که وی به طور کامل بر اوضاع مسلط شد، همه را به حال خود رها کرد!او سالی چند ماه در زبویه اقامت می‌کرد و هر ماه، ساختمان سه طبقه سفید زبویه را که از شاهکارهای معماری عهد باستان بود، ویران نمودند و از یخ و بن رنگندند! (رشید کیخسروی، دوران بی‌خبری، ج ۱، ص ۳۰).

اسدالله در این باره روایت کرده است: تمام این طلاها به ظاهر صورت مجلس می‌شد و نماینده مقبره زبویه را که اسدالله نبش کرده و فرهنگ و مالکین و پیش‌نماز دهیان و تعدادی از ریش سفیدان زبویه، پای صورت مجلس را امضاء می‌کردند، اما ایوب حسی یک متقال از آنها را تحویل باستان‌شناسی نمی‌داد. در مقابل، وزارت خارجه ایران به این عمل اعتراض‌واز پلیس اسرائیل درخواست کرد، تااز ورود این اشیاء به اسرائیل جلوگیری می‌شود، ولی متأسفانه گنجینه شامل مومیای سفید رنگی بود که اطراف آن را باطوماری پیچیده بودند. اسدالله صندوق مفرقی را که در واقع تابوت مومیایی بود، به همراه طومار تکه‌تکه کرده و جسد را به کارگران نشان داد. به گفته خود اسدالله و کارگران حفاری، جسد مومیایی استخوان‌های سفید داشت که این رنگ نشان دهنده وجود طلای بسیار در کنار جسد در صندوق بود و جسد مومیایی سبز رنگ، نشان از وسایل مفرقی در کنار جسد را داشت. اسدالله طلاهایی که در کنار مومیایی در تابوت بوده را در گوشه‌ای پنهان کرده و بعد از نشان دادن جسد مومیایی سفید رنگ به کارگران و سرگرم کردن آنها، مخفیانه طلاها را به پایتخت انتقال و از ایران خارج کردند. در کنار این ۱۲۰ کیلو طلا، عاج فلج هم جزئی از گنجینه بود که خود اسدالله در مورد انتقال آنها، اینگونه بیان می‌کند: عاچ‌ها بر اثر تماس با هوا و به هنگام بیرون آمدن از زیر خاک، متلاشی می‌شد. پس من به وسیله پنبه‌های آغشته به روغن کرچک، آنها را از زیر خاک بیرون آوردم و آنها را بین پنبه‌ها نهادم و خارج و جیبسه یک یهودی به تهران منتقل کردم و

نامید. در اواخر سال ۱۳۰۹ هـ ش، حفاری تخت جمشید به دست پرفسور هر تسفلد امریکایی آغاز شد و تا دی ماه ۱۳۱۳ هـ ش، در سمت ریاست هیئت علمی تخت جمشید به کار خود ادامه داد و بعد از آن کار را به ار.یک. ف. اشمیت امریکایی محول کرد. اما در کنار این غارت آشکار سرمایه ملی ایران، یهودیان صهیونیست به صورت غیر مستقیم و نامحسوس، آثار باستانی ملت ایران را به نیما می‌بردند…» (رشید کیخسروی، دوران بی‌خبری، ج ۱، صص ۹– ۱۰).

■ **ایوب ربنو»، رهبر یک باند مافیایی قاچاق بین‌المللی**

در حفاری‌های باستان‌شناسی، یکی از یهودیانی که آثار باستانی را از فلات ایران به غارت برد، ایوب ربنو است. او یک فرد معمولی یا عادی نبود، بلکه بهریت یک باند مافیایی قاچاق بین‌المللی آثار باستانی را بر عهده داشت و ۵۰۰ نفر کارگر و ۱۰۰ نفر سرکارگر، برای او کار می‌کردند. نامبرده بسا این کار، ضمن برخورداری از کلیه وسایل پیشرفته حفاری، بیش از ۵۰ سال در بیش از ۱۵۰ نقطه و در فاصله سال‌های ۱۳۲۶ هـ ش لغایت ۱۳۴۰، به طور مشخص در ۱۷ منطقه باستان‌شناسی، به حفاری تجاری پرداخت. به غیر از منطقه زبویه در منطقه قیلاتنو، پاره‌ای از



یعقوب نیمروودی در میانسالی

یعقوب نیمروودی در قاچاق عتیقه جات و آثار باستانی ایران به اسرائیل، نقشی اساسی داشت و از راه سرقت این اشیاء توسط نیروهایش از مناطق مختلف ایران، سرمایه کلانی به دست آورد.

یعقوب نیمروودی در قاچاق عتیقه جات و آثار باستانی ایران به اسرائیل، نقشی اساسی داشت و از راه سرقت این اشیاء توسط نیروهایش از مناطق مختلف ایران، سرمایه کلانی به دست آورد.
مثیر عزری در خاطراتش در مورد خانه نیمرودی در اسرائیل می‌گوید: «نیمرودی بعد از بازنشستگی از مוסاد، به تجارت اشیاء عتیقه می‌پرداخت و در خانه خود در اسرائیل، یک خانه کاملاً ایرانی با اشیاء عتیقه و فرش‌های نفیس دار…»

جوان

روزنامه جوان | شماره ۶۷۷۴

کشفیات باستان‌شناسی به ایوب ربنو کمک می‌کردند، عبارتند از: محسن فروغی، آندره گذار، گریشمن، ابوالحسن ابتهاج، ایرج مافی، شجاع الدین شفا و صوی دورنیل که در ایران کار اقتصادی می‌کرد و به زبان‌های: آلمانی، فرانسه، عربی، انگلیسی و روسی آشنا بود. او نماینده ربنو، سرمایه‌دار عتیقه باز در ایران بود. (دوران بی‌خبری، رشید کیخسروی، ص ۹، ج ۱)
مثیر عزری در خاطراتش آورده است: ربنو زاده همدان بود و بدون دانش باستان شناسی، دست به حفاری و تجارت اشیاء عتیقه می‌زد، او در زمینه باستان‌شناسی، رایزن شهربانو فرح بود. ایوب در یکی از شهرهای خراسان، متوجه محراب گرانبهای مسجد می‌شود و در پی تعمیر مسجد، مردم نساآگاه محراب ارزشمند را به ربنو می‌دهند و او آن را به موزه اسرائیل انتقال می‌دهد! (یادنامه مثیر عزری، ج ۲، ص ۲۰۹)

■ **یعقوب نیمرودی»، از رفاقت با پهلوی دوم تا تجارت اسلحه و عتیقه**

کنلل یعقوب نیمرودی، یک یهودی عراقی الاصل بود. او در کودکی و به همراه خانواده، به اسرائیل مهاجرت کرد. با پیوستن به سازمان جاسوسی اسرائیل، در سال ۱۳۳۸ ش به عنوان وابسته نظامی اسرائیل، در ایران و سفارت غیر رسمی آنان کار خود را آغاز کرد. نیمرودی در کنار کار تجارت اسلحه، علاقه شدیدی به اشیاء عتیقه داشت. ارتباط صمیمانه نیمرودی با محمدرضا پهلوی، تعجب بسیاری از رجال حکومت وی را برانگیخت. براساس اسناد به دست آمده، نیمرودی در قاچاق اشیاء عتیقه و آثار باستانی ایران به اسرائیل و کشورهای غربی، نقشی اساسی داشت و از راه سرقت اشیاء عتیقه توسط نیروهایش در مناطق مختلف ایران، سرمایه کلانی به دست آورد. مثیر عزری در خاطراتش در مورد خانه نیمرودی در اسرائیل می‌گوید: نیمرودی بعد از بازنشستگی از مוסاد، به تجارت اشیاء عتیقه می‌پرداخت و در اسرائیل، یک خانه کاملاً ایرانی با اشیاء عتیقه و فرش‌های نفیس دارد! (مر ترضی، قانون، دیپلماسی پنهان، ص ۳۲۰)

■ **مثیر عزری»، فروش شاهنامه نفیس به کلکسیون خاندان روچیلد**

فرد مؤثر دیگری که در چپاول عتیقه جات ایرانی سهم زیادی داشت و در تمامی حوزه‌های اقتصادی فعالیت می‌کرد، مثیر عزری یهودی اصفهانی الاصل بود. او پس از تأسیس اسرائیل، در کودکی و به همراه خانواده خود به اسرائیل مهاجرت کرده بود و اولین سفیر این کشور در ایران بود. مثیر عزری در خاطرات خود آورده است: پدرم پس از یک دوره طولانی رفاقت با آرمنیازاسمیت، به اسرائیل سفر کرد و در پی از بازگشت به داد و ستد عتیقه پرداخت. او در سال ۱۹۲۵ م، یک نسخه از شاهنامه فردوسی را که در سه جلد و متعلق به سده ۱۵ یا ۱۶ میلادی و به مینیاتور آراسته بسود را به ۳۰۰ تومان خریداری کرد و این دستاورد فرهنگی ایران را به خارج از کشور منتقل و به کلکسیون خاندان روچیلد اصفاه نمود. عزری معترف است که عتیقه مذکور که این کتابخانه را تشکیل می‌دهد، به اسرائیل منتقل شد. کتاب، در سال ۱۹۷۲ در لندن، به ۲۵۰ هزار لیره استرلینگ به فروش رسید! (یادنامه ص ۲۱– ۲۲)
در این میان افرادی به اداره شهربانی وقت اطلاع می‌دهند که این کتاب متعلق به کتابخانه شیراز، یا کتابخانه مجلس شورای ملی است. در پی آن فرماندار تهران دستور می‌دهد که چنانچه نمایندگان این کتاب را از آن کتابخانه این نبرد بداندند، به این کتابخانه برگردانده خواهد شد. پدر عزری در اعتراض، نماینده خود را نزد رضاخان می‌فرستد. رضاخان دستور می‌دهد که به وی گرامت پرداخت شود و در پاییز ۱۹۲۷ م، این اثر توسط عزری به کلکسیون خاندان روچیلد فروخته می‌شود. مثیر عزری در ادامه این روش پدر، موفق شد یک تگه درب بسیار ارزشمند که به هنرهای متنوع شهر اصفهان مزین بود را به اسرائیل منتقل کند. (علیرضا سلطانشاهی، از جولانگاه استر تا وادی صهیون، ص ۱۱۴). در صهیونیست دیگری مانند: تاجت ربیع، نورالله کهن، عزیز ربیع، شمیمون رفیع، عزیز قلیا، رفیع سلیمان و بازرگانان عتیقه خیابان استانبول تهران نیز، به صورت پراکنده در این عرصه فعالیت می‌کردند.

و کتاب‌آخر

یهودیان صهیونیست توانستند با غارت آثار باستانی ایران، هویت و تاریخی جعلی برای خود دست و پا کنند. متأسفانه استبداد و بی‌لیاقتی پادشاهان قجر و پهلوی نیز به آنان کمک کرد، تا مانعی برای دستیازی به ثروت‌های ملی کشورمان، پیش‌روی خود نداشته باشند. با پیروزی انقلاب اسلامی، دست آنها از چپاول منابع و ثروت‌های ایران کوتاه شد و دقیقاً همین موضوع، یکی از دلایل دشمنی صهیونیسم بین‌الملل با جمهوری اسلامی است.

منابع:

۱- کیخسروی، رشید، ج ۲، تهران، نویسنده، ۱۳۴۳
۲- سلطانشاهی، علیرضا، از جولانگاه استر تاوادی صهیون.
۳- ولایتی، علی اکبر، ایران و تحولات فلسطین، ۱۳۱۷
۴- عزری، مثیر، ۲ هزار، یادنامه، مترجم ابراهام خاخمی
۵- قانون، مرتضی، دیپلماسی پنهان، تهران، طبرستان، ۱۳۸۱